



سه تار صبا

پروفسور گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی دکتر تقی تفضلی

رتال جامع علوم انسانی

بنظر نگارنده این سطور در گذشت مرحوم صبا که در آموختن و نواختن اغلب سازهای ایرانی استادی متبحر و بی نظیر بود از همه بیشتر ضایعه عظیم و تدارک ناپذیری برای سه تار بشمار میرود، زیرا در میان جمعی که در این ایام سه تار میزنند، استاد مسلم و منحصر بفرد سه تار، مرحوم صبا بود. غرض ما از استاد مسلم و منحصر بفرد این نیست که غیر از صبا که متأسفانه در گذشت و بجهان باقی شتافت در بین معاصرین ما کسی خوب سه تار نمی زند یا قادر نیست که سه تار تعلیم دهد بلکه منظور ما این است

که هیچ کس بقدر مرحوم صبا با سه تار آشنائی نداشت و بقدر او برای سه تار زحمت نکشیده بود و بخوبی او سه تار درس نمیداد. صبا بسیار استادانه سه تار می نواخت.

اولین سازی که صبا با آن آشنائی پیدا کرد سه تار بود. صبا هنوز کودک کی خردسال بود که پدرش کمال السلطنه او را برای مشق سه تار بمنزل مرحوم آقا میرزا عبدالله برد. آنانکه با موسیقی ایرانی سروکار دارند و بخصوص با سه تار آشنا هستند میدانند که آقا میرزا عبدالله (پدر استاد عبادی که در این ایام بحق و انصاف بهترین و مشهورترین نوازنده سه تار می باشد) بزرگترین استاد سه تار در قرن اخیر بود و یسکی از شریف ترین مردان عصر خویش بشمار می آمد.

صبا در دوران کودکی که عمولا جان آدمی مستعد درك همه گونه الهام است در محضر چنان استاد بزرگوارى سه تار نواخت و درس ضفا و محبت گرفت.

دوران درس مرحوم میرزا در دل و جان صبا اثری عمیق بجا گذاشت و همیشه از آن یاد میکرد. صبا از منزل و باغ مرحوم میرزا که گویا در سرآب سردار بوده است و طرز سه تار نواختن آن پیرمرد روحانی که چگونه با آن قیافه ملکوتی و سیلپهای سفید دو زانو می نشسته و درس میداده است برای من حکایتهای بسیار شیرین و دلکش نقل کرده است از جمله میگفت گاهی مرحوم میرزا پس از آنکه مدتی برای خود سه تار میزد از خود بیخود میشد «سه تار او را برمیداشت و بعالمی دیگر می برد»^۱ آنوقت از سه تار صدائی برمیکشید که از این عالم نبود، در بیچای از بهشت بروی ما گشوده میشود زمزمه فرشتگان را بگوش جان می شنیدیم.

قریب به پنج سال صبا صبح های زود بمنزل میرزا رفت و سه تار تعلیم گرفت. آقای خالقی در شرحی که در مجله تهران مصور بعنوان «خاطراتی از صبا»

۱ - عبارت بالا عین این جمله ای است که صبا می گفت. ظاهر آ صبا از این شعر سعدالدین حموی متأثر بوده است.

دل وقت سفاع بسوی دلدار برد جان را بسرا پسرده اسرار برد
این زمزمه مرکی است مر روح ترا بردارد و خوش بعالم یار برد

نقل کرده اند، پس از آنکه ایامی را که با صبا در مدرسه امریکائی تحصیل
میکرده اند یادآوری می کنند می نویسند: «در آن وقت که صبا ۱۲ سال داشت
همشاگردیهایش میگفتند که خوب سه تار میزند».

بعدها صبا به محضر درویشخان راه یافت.
سه تار صبا که استخوان بندی و تن و جانش در مکتب مرحوم میرزا
پرویش یافته بود از سه تار ضربی و شیرین درویشخان چاشنی گرفت.
استاد بزرگوار آقای موسی خان معروفی شبی در منزل خودشان برای
من نقل کردند که در سال ۱۳۳۶ قمری یعنی چهل و یکسال قبل کمی تار
میزدم. در آن ایام آموختن و نواختن ساز بجهاتی براحتی این روزها
فراهم نبود. عمویم^۱ که درمن استعدادی دیده بود اصراری داشت مرا نزد
استادی ببرد ولی من تمایلی نشان نمیدادم. تا اینکه یکروز عصر عمویم به
منزل ما آمد و به عنوان اینکه میخواهیم با هم بگردش برویم مرا از منزل
بیرون برد، قدم زنان بخیا بان خیام امروز نزدیک خانقاه بمقابل پارک ظل -
السلطان رسیدیم. در آنجا توقف کردیم. عمویم خانه ای را در زد که از شکاف
در و پشت بام آن بوی گل بهشام میرسد، در را باز کردند عمویم بدون اینکه
اسمی از صاحب خانه ببرد پرسید آقا شریف دارند؟ آقا منزل تشریف داشتند
و ما را پذیرفتند.
وارد باغ مصفا می شدیم که مانند یکدسته گل زیبا میدرخشید فضای
خانه را همه جا گل فرا گرفته بود و انواع گلها که بیکدیگر پیوند شده بود
جلوه عجیبی داشت. نسیم معطری از گلها بر منخاست و فضا را عطر آگین
میساخت، برآستی که از بوی گل سرمست شدیم.
ما را باطاقی بردند در بالای اطاق مردموقری نشسته بود و سه تار
مینواخت آن مرد درویشخان بود بلافاصله فهمیدم عمویم مرا به بهانه گردش
به محضر درس درویشخان آورده است. کمی آنطرف تر روبروی درویشخان
جوان کوچکی «مثل موش سر قالب صابون»^۲ دوزانو مؤدب نشسته و درس
سه تار میگرفت و راک هندی می نواخت آن جوان ابوالحسن خان صبا بود.

۱- آقای معروفی در شرح حالی که در صفحه ۶۴ «دیوان امیرجاهد» مرقوم داشته اند
متذکر شده اند که عمویشان مرحوم محمدحسن اتاییکی ابشار ۱ در سال ۱۳۳۶ قمری نزد
درویشخان برده است. ^۲ جمله بالا عین عبارتی است که آقای معروفی بیان کردند.

این ردیف را برای یکی از موسیقی دانان قدیمی بنوازد تا اگر گوشه‌ای از آن افتاده باشد اصلاح کند ولی بدین کار توفیق نیافت .

صبا ردیف آواز ماهور را در سه تار برای آقای پایور نوشته است که نزد ایشان می باشد . صبا ردیف آواز شور را آنطوری که می خواست در سه تار بنوازد بیکی از شاگردانش آموخته بود و قصد داشت نت آنرا بنویسد .

صبا خیال داشت برای سه تار دستوری تهیه کند و ردیف کلیه آوازه‌ها را بنویسد .
ولی عمرش وفا نکرد .

دی ماه ۳۶
تقی تفضلی



شهرگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ثروما یادآوری مینماید که ترتیب تقدم و تأخر مقاله‌هایی که در مجله موسیقی بچاپ می رسد منحصرآمر بوط بمقتضیات فنی چاپ و ترتیب وصول مقاله‌ها بدفتر مجله است، و در این مورد هیچ نظر خاص دیگری منظور نیست .

مدیر مجله موسیقی